

تحلیل گفتمان منشور حقوق شهروندی دولت یازدهم

فریبا مجتهدزاده^۱، علی اکبر خمیجانی فراهانی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران

^۲ دانشیار زبان شناسی کاربردی، دانشگاه تهران

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

فریبا مجتهدزاده

shirinmojtahed@gmail.com

چکیده

با استفاده از رویکرد تحلیل گفتمان متن منشور حقوق شهروندی که توسط دولت یازدهم ارائه شد، از پایگاه اطلاع رسانی دولت استخراج گردید، سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. از آن جایی که این پژوهش سعی در تحلیل گفتمانی یک متن حقوقی دارد می‌تواند از معدود پژوهش‌های صورت گرفته در رشته‌ی زبان‌شناسی کاربردی باشد که دو رشته‌ی تحلیل گفتمان و زبان‌شناسی حقوقی را به هم پیوند می‌زند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد بسیاری از مواردی که در متن منشور حقوق شهروندی گنجانده شده مشابه مواردی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است.

واژگان کلیدی: منشور حقوق شهروندی دولت یازدهم - تحلیل گفتمان - زبان‌شناسی حقوقی

مقدمه

از نیمه‌ی پاییز سال ۱۳۹۲ که حسن روحانی در خرداد آن سال به عنوان رئیس دولت یازدهم با رأی مردم برگزیده شد، یکی از وعده‌های انتخاباتی او درباره‌ی تدوین و اجرای منشور حقوق شهروندی، عملی شد. از همان روزها، بحث داغ حقوق شهروندی در جامعه‌ی حقوقدانان و سیاسیون بالا گرفت. پیش نویس سندی با عنوان منشور حقوق شهروندی در پایگاه اطلاع‌رسانی دولت منتشر شد و دولت از مردم، صاحب‌نظران، حقوق‌دانان و دانشگاهیان خواست تا با ارائه‌ی پیشنهادهای و راهکارهای اصلاحی، به غنای این منشور بیفزایند. مهمترین اهمیت چنین پژوهشی این است که مبانی چند رویکرد علمی از جمله تحلیل گفتمان، تحلیل گفتمان انتقادی و زبان‌شناسی حقوقی را با هم می‌آمیزد. از دیگر فواید این پژوهش در اینجا است که نتایج این پژوهش می‌تواند به نگارندگان متن منشور حقوق شهروندی یعنی مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، در تکمیل و رفع نقایص احتمالی این متن و تدوین جامع‌تر و کامل‌تر متونی از این دست کمک کند.

۲. پیشینه‌ی تحقیق

هلیدی^۱ و حسن^۲ (۱۹۷۶)

هلیدی و حسن در کتاب «پیوستگی در زبان انگلیسی» (۱۹۷۶) معتقدند آن چه یک متن را از غیر متن متمایز می‌سازد مفهوم «ساختار متن»^۳ است، زیرا تنها متن از چنین ساختاری برخوردار است. محققان ادامه می‌دهند مفهوم دیگری که به ویژگی‌های متن مربوط

^۱ M. A. K. Halliday

^۲ R. Hassan

^۳ texture

می‌شود «پیوستگی»^۴ است، که به روابط معنایی درون متن اشاره دارد و معرف متن است. به عبارت دیگر، هر گاه تعبیر و تفسیر عنصری از متن وابسته به عنصر دیگر در متن باشد، با «پیوستگی» سروکار داریم. هلیدی و حسن می‌افزایند پیوندهای درون متنی به دو دسته‌ی دستوری و واژگانی تقسیم می‌شوند.

وارد هوگ^۵ (۲۰۰۶)

وارد هوگ در کتاب «درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان» (۲۰۰۶) بیان می‌کند، وظیفه‌ی مهم تحلیل گفتمان انتقادی مطالعه‌ی دقیق ساختارهای شناختی و راهبردهای درگیر در این فرایندهاست که بر شناخت‌های اجتماعی گروه‌ها تأثیر می‌گذارند. مسأله‌ی موجود در اینجا سوء استفاده از انگاره‌های ذهنی رخداد‌های اجتماعی از طریق کاربرد ساختارهای گفتمانی مانند ساختارهای موضوعی، عنوان روزنامه‌ها، سبک، استعاره‌های بلاغی و راهبردهای معنایی است.

های^۶ (۱۳۸۵)

های در کتاب «درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی» (۱۳۸۵) ترجمه‌ی گل‌محمدی، بیان می‌کند گفتمان پژوهان انتقادی، موضع سیاسی و اجتماعی خود را به صراحت بیان می‌کنند و از طریق تحلیل انتقادی گفتمانی که ارائه می‌کنند از روابط سلطه پرده بر می‌دارند و یا آنرا به چالش می‌کشند. وی ادامه می‌دهد گفتمان پژوهان انتقادی، توجه خود را صرفاً به رشته خود و نظریه‌ها و الگوهای آن معطوف نمی‌دارند بلکه بیشتر به مسائل مهم اجتماعی توجه می‌کنند لذا بیشتر کار آنها موضوع-محور است تا نظریه-محور؛ در کار آنان، تجزیه و تحلیل، توصیف و نظریه‌سازی خصوصاً تا جایی که به کار فهم و نقد نابرابری‌های اجتماعی بیاید نقش مهمی ایفا می‌کند. نابرابری‌هایی که مبنای جنسیتی، قومی، طبقاتی، اصل و نسبی، مذهبی، زبانی و ... دارند. این معیارها تفاوت میان افراد را مشخص و تعریف می‌کنند. نویسنده این کتاب نتیجه می‌گیرد هدف نهایی گفتمان پژوهان انتقادی، صرفاً علمی نیست هدف آنها سیاسی و اجتماعی است آنان خواهان تغییر هستند و در این حالت گفتمان پژوهی شکل انتقادی به خود می‌گیرد و شاید در این نقطه است که از بستر شکل‌گیری روش خود یعنی پست مدرنیسم فاصله می‌گیرند.

اسدی، گلفام، آقاگل‌زاده و افراشی (۱۳۹۴)

این پژوهشگران در مقاله «مؤلفه‌های زبان‌شناختی و جامعه‌شناختی-معنایی و بازنمایی کنشگران اجتماعی در متون مطبوعاتی» (۱۳۹۴)، با بهره‌گیری از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی الگوی ون‌لیوون به صورت کیفی چهل متن از چهار روزنامه داخلی ایران را در یک دوره دو ماهه مرداد و شهریور ۱۳۹۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که ایدئولوژی حاکم بر ذهن نویسندگان، گروه‌ها و صاحبان اندیشه، با بهره‌گیری از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار همچون تشخیص‌بخشی، تشخیص‌زدایی، فعال‌سازی، کمرنگ‌سازی و ... در متن منعکس می‌شود و تظاهر زبان‌شناختی ساخت‌های گفتمان‌مدار در متون، در قالب ساخت‌های زبانی نظیر فرایند اسم‌سازی، استفاده از توصیف‌گرهای پیشین، معلوم در برابر مجهول، همپایگی و ... صورت می‌گیرد.

۳. چارچوب نظری

چارچوب نظری پژوهش پیش رو به دو بخش تقسیم می‌شود: تحلیل گفتمان و زبان‌شناسی حقوقی. از آن جایی که دو رویکرد تحلیل گفتمان و زبان‌شناسی حقوقی زیرمجموعه‌های زبان‌شناسی کاربردی هستند، نخست به صورت اجمالی به معرفی این بخش می‌پردازیم سپس چارچوب نظری پژوهش را شرح می‌دهیم.

۳-۱. زبان‌شناسی کاربردی

زبان‌شناسی کاربردی شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که هدف اصلی آن کاربرد انواع و اقسام نظریه‌های زبان‌شناختی، یافته‌ها و روش‌هایی است که بتواند مشکلات زبانی را حل کند. شاید بتوان مهم‌ترین کاربرد زبان‌شناسی کاربردی را استفاده از آموزه‌های زبان‌شناختی در امر آموزش زبان خارجی دانست به نحوی که در نگاه نخست به نظر ما می‌رسد تنها حوزه‌ی مرتبط به زبان‌شناسی کاربردی آموزش زبان

⁴ cohesion

⁵ R. Wardhaugh

⁶ K. Hay

است. زبان‌شناسی کاربردی با دیگر رشته‌ها نیز پیوند خورده است تا آنجا که مرز دقیقی بین زبان‌شناسی کاربردی و دیگر حوزه‌های میان رشته‌ای زبان‌شناسی وجود ندارد بطور مثال در جامعه‌شناسی زبان^۷ می‌توان تلفیق مسائل زبان‌شناسی کاربردی از جمله برنامه‌ریزی زبانی را با مسائل اجتماعی مشاهده کرد، یا در زبان‌شناسی حقوقی که حاصل تلفیق مطالعات حقوقی با زبان‌شناسی است (کریستال^۸، ۲۰۰۳: ۲۰۹).

۲-۳. تحلیل گفتمان

براون^۹ و یول^{۱۰} (۱۹۸۳: ۲۳-۲۵) عقیده دارند گفتمان در فرایند تعامل بین گوینده با مخاطب و یا نویسنده با خواننده شکل می‌گیرد. این دو پژوهشگر معتقدند گفتمان از n مرحله تشکیل شده است. به بیان دیگر گفتمان در حین ارتباط شکل می‌گیرد و ایستا و راکد نیست. از این‌رو، براون و یول گفتمان را به عنوان یک فرایند^{۱۱} مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهند. اما نظریه‌پردازانی مانند هلیدی^{۱۲} متن تولید شده را به عنوان مبنایی برای پژوهش‌های خود در نظر می‌گیرند. در زبان‌شناسی پیکره‌ای^{۱۳} هم گفتمان را به مثابه‌ی متن تولید شده در نظر می‌گیرند (همان).

۳-۳. زبان‌شناسی حقوقی

یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی کاربردی و بسیار جذاب برای پژوهشگران رشته‌ی زبان‌شناسی و حقوق، رشته‌ی زبان‌شناسی حقوقی است. زبان‌شناسی حقوقی اصطلاحی دو کلمه‌ای متشکل از یک صفت^{۱۴} و یک اسم^{۱۵} است. در نگاه اول به این واژه، مفاهیم دیگری برای برابری با آن در زبان فارسی به ذهن می‌رسد: برای مثال زبان‌شناسی محکمه‌ای، زبان‌شناسی قضایی و زبان‌شناسی قانونی (آگل‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۴-۲۵).

بدلیل استفاده از واژه‌ی «قانون» در مقابل Forensic برای ساخت اصطلاحات مشابه همچون پزشکی قانونی^{۱۶}، در نگاه اول زبان‌شناسی قانونی مناسب بنظر می‌رسد و بدلیل تداعی نشدن معنای کاربرد یافته‌های زبان‌شناسی در مسائل حقوقی و قضایی و از طرف دیگر بدلیل شناخته شدن رشته‌های حقوق و زبان‌شناسی برای همه در مقابل «قانون» که رشته‌ای شناخته شده نیست بهتر است واژه‌ی «زبان‌شناسی حقوقی» انتخاب گردد (همان).

ون‌دایک^{۱۷} (۱۹۷۷: ۱۰۳) بر این باور است که اگر جملات مبتنی بر حقیقت باشند (در یک دنیای احتمالی) توالی جملات می‌توانند مبتنی بر توالی وقایع باشند. به همین ترتیب، ترتیب عادی شکل مؤثر ارتباط‌های زمانی بین حقایق است. در حالی که ترتیب عادی برای ارائه‌ی جریان اتفاقات یا اعمال به همراه حالت‌های اولیه و نهایی بدلیل ساختار همشکل است، ترتیب توصیفات حالت باید براساس سایر معیارهای عادی باشد. مهمترین محدودیت اهمیت عناصر پیش‌فرض قبلی است: براساس شرایط انسجام کلی، چهره‌ی هر انسانی تنها زمانی می‌تواند تفسیر گردد که ابتدا بعنوان یک ویژگی انسانی تعریف شده باشد.

از نظر ون‌دایک (۱۹۷۷: ۱۰۶)، توصیف حالت‌های امور از طریق اهمیت مفهومی مشخص و تعیین می‌شود و نکته‌ی مهم‌تر ابتدا ذکر شود.

۴-۳. تحلیل گفتمان انتقادی

تحلیل گفتمان انتقادی یکی از شاخه‌های تحلیل گفتمان است که شیوه‌های استفاده‌ی اصحاب قدرت از متن و کلام را در بافت‌های سیاسی و اجتماعی بررسی می‌کند و از این طریق راه‌ها و سرمنشأهای سوء استفاده از قدرت، سلطه‌گری و نابرابری اجتماعی را آشکار می‌کند. متخصصان تحلیل گفتمان انتقادی برآنند که با استفاده از ابزارهای مناسب زبان‌شناختی از یک سو و ارجاع به زمینه‌ی تاریخی و اجتماعی موضوع مورد بررسی از دیگر سو می‌توان ایدئولوژی را که عموماً از طریق عادی‌سازی و خنثی‌سازی گفتمان به صورت پنهان درآمده به منظور بررسی انتقادی از لایه‌های زیرین متن و گفتمان به سطح آورد. بر این اساس تحلیل گفتمان انتقادی ابزاری برای روشننگری اجتماعی و سیاسی و جلوگیری از نابرابری اجتماعی از طریق فهم و افشای نموده‌های آن است. برای پاسخ به این پرسش که

¹ Sociolinguistics

² D. Crystall

³ G. Brown

⁴ G. Yule

1 process

2 M. Halliday

3 corpus linguistics

4 Forensic

5 Linguistics

6 Forensic Medical

7 T. A. Van Dijk

«تحلیل گفتمان انتقادی چیست؟» و «تحلیلگر گفتمان انتقادی چیست؟» باید ابتدا مفاهیم گفتمان، قدرت، سلطه و نابرابری اجتماعی و روابط این مفاهیم با یکدیگر را به دقت بازکاوی و بعد جایگاه تحلیلگر این روابط را در نسبت با این مفاهیم بررسی کرد (ویدوسن^۱، ۱۹۸۷: ۸۹).

آقاگل‌زاده (۱۳۹۰: ۱۵۹) وجه مشترک کلیه رویکردهای تحلیل گفتمان انتقادی را به ترتیب زیر بیان می‌کند:

- روابط قدرت و سلطه عملی گفتمانی است.
- تحلیل گفتمان انتقادی به بررسی مشکلات اجتماعی می‌پردازد.
- گفتمان نقشی ایدئولوژیکی ایفا می‌کند و ایدئولوژی نیز گفتمان را شکل می‌دهد.
- گفتمان مسئله‌ای تاریخی است.
- فرهنگ و جامعه با گفتمان ساخته می‌شوند.
- تحلیل گفتمان امری تفسیری و تبیینی است.
- حلقه‌ی رابط فضای بین متن و جامعه را گفتمان پر می‌کند.
- گفتمان نوعی کنش اجتماعی است.
- تحلیل گفتمان انتقادی نوعی تحلیل ایدئولوژیکی از متون است.
- کاربرد خنثای زبان وجود ندارد، کلیه‌ی متون دارای بار ایدئولوژیکی هستند.

۴. تحلیل داده‌ها

در این بخش به تحلیل منشور حقوق شهروندی دولت یازدهم می‌پردازیم. همانگونه که در متن این منشور هم آمده است این متن حقوقی از بخش‌های مختلفی تشکیل شده که تمامی این بخش‌ها مربوط به مسائل شهروندانی ایرانی است که یا در ایران سکونت دارند و یا مقیم کشورهای خارجی هستند. لذا این متن حقوقی را به چند بخش تقسیم و سپس هر بخش را تحلیل می‌کنیم.

۴-۱. تأمین اجتماعی

در متن منشور حقوق شهروندی آمده است: «دولت موظف است زمینه بهره‌مندی تمامی شهروندان را از کلیه حقوق تأمین اجتماعی، خدمات و حمایت‌های مالی و اعتباری مربوط در موارد بیماری، معلولیت، بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح غیرمترقبه، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره را به عنوان حقی همگانی با رعایت قانون فراهم نماید». طبق مندرجات متن منشور حقوق شهروندی دولت مکلف به رسیدگی به وضعیت معیشتی افراد جامعه است تا آنچه از طریق کفالت عمومی در حد مطلوب بدست نیامده است با منابع مالی دیگری که در اختیار دارد جبران کند و سطح عمومی جامعه را به برخورداری از رفاه نسبی و توازن اقتصادی برساند.

از طرف دیگر ابتدایی‌ترین وظیفه هر دولتی، ایجاد اشتغال برای آن بخش از جمعیت کشور است که آمادگی لازم برای کار را دارند. بخش دیگری از وظیفه دولت توانمندسازی آن بخش از جوانان جویای کار است که ابزار و مهارت ندارند. پیشبرد این هدف مستلزم سرمایه‌گذاری و فراهم کردن زیربناها، آماده‌سازی فضای کسب و کار و فراهم کردن شرایط تولید خدمات است تا افراد جویای کار به تناسب به کار تولید یا خدمات وارد شوند.

۴-۲. بهداشت عمومی

در متن منشور حقوق شهروندی آمده: «دستگاه‌های اجرایی موظفند در چارچوب قوانین و مقررات تمامی اقدامات لازم برای افزایش سطح سلامت عمومی، حفظ حقوق بنیادین حیات، شرایط مطلوب برای زندگی، سلامت و بهداشت، کاهش میزان مرگ و میر اطفال و افزایش طول عمر شهروندان، دسترسی آسان، ارزان و گسترده به درمان، دارو، تجهیزات و کالاها و خدمات پزشکی، درمانی و بهداشتی منطبق با استانداردهای ملی و تأمین و ارتقای سلامت افراد، شرایط زیست سالم و مطلوب برای ادامه زندگی را به عمل آورند. دولت ملزم است تا با نظارت بر مراکز درمانی حصول شرایط بهتر درمانی را فراهم سازد».

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از طریق شبکه‌های بهداشتی، درمانی و خانه‌های بهداشت در روستاها ضمن آموزش گسترده با بسیج مردم و جلب همکاری بین بخشی در زمینه مسائل بهداشت محیطی از قبیل جمع‌آوری و حمل و دفع بهداشتی زباله، دفع بهداشتی مدفوع و کود حیوانی، بهسازی معابر و جداسازی محل نگهداری دام و پرندگان از محل سکونت، نظارت و پیگیری لازم را داشته و همچنین در جهت بهسازی منابع و کنترل کیفی آب آشامیدنی، جمع‌آوری و دفع بهداشتی فاضلاب‌ها، کنترل اماکن عمومی و مراکز تهیه، توزیع، نگهداری و فروش مواد غذایی اقدام نموده است. بخش مهمی از وظایف عوامل اجرایی و بازرسان اداره کنترل مواد غذایی و بهداشت

¹ H. C. Widdowson

محیط بازرسی و کنترل مراکز تهیه و توزیع مواد غذایی و بهداشتی برای تشخیص مواد ناسالم و غیربهداشتی می‌باشد که این امر با توجه به صلاحیت و مأموریتی که برعهده بازرسان مذکور محول است انجام می‌گیرد، لذا برای تشخیص قطعی مواد فاسد و غیرقابل مصرف و همچنین تفکیک مواد ناسالم از سالم با اسلوب خاصی مبادرت به نمونه‌برداری می‌شود.

از سوی دیگر خاک یکی از عوامل مهم در حفظ طبیعت و سلامت انسان است، متأسفانه دفع پسماندهای صنعتی و بیمارستانی در زمین باعث شده که نه تنها خاک که آب‌های زیرزمینی هم آلوده شوند. خاک، از منابع مهم طبیعت و پلاینده و تصفیه‌کننده آن است. بدون خاک سالم، ادامه زندگی ممکن نیست؛ زیرا ۹۵ درصد غذای انسان از زمین تأمین می‌شود. خداوند، زمین و آسمان و همه نعمت‌های آن را برای آدمی آفریده و طبیعت را رام و مطیع انسان ساخت تا بتواند هرگونه بهره را از آن ببرد. بدین جهت لازم است دولت با همکاری وزارت بهداشت و سازمان محیط زیست چاره‌ای برای دفن زباله‌های بیمارستانی بیاندیشند، چرا که آلودگی آب و خاک توسط زباله‌های عفونی بیمارستانی هزینه‌های هنگفت درمانی را بر دست قوه مجریه می‌گذارد.

۳-۴. آزادی بیان و آزادی مطبوعات

در خصوص وظیفه قوه مجریه در حفظ آزادی بیان و مطبوعات و همچنین حمایت از اهالی رسانه در متن منشور حقوق شهروندی آمده است: « دولت به آزادی نشریات و مطبوعات، رسانه‌ها اعم از کاغذی یا الکترونیکی و نیز تمامی رسانه‌های شنیداری و دیداری اعم از وبسایت‌ها، وبلاگ‌ها، شبکه‌های تلویزیونی و اینترنتی و مانند اینها در صورتیکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی نباشند، در چارچوب قانون احترام می‌گذارد. همچنین روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها نباید در جمع‌آوری و انتشار اطلاعات و مطالب خود با تهدید و یا مجازات مواجه شوند. نهادهای دولتی یا تحت کنترل دولت، در چارچوب قوانین و مقررات، نباید مانع آزادی دسترسی رسانه‌ها به اطلاعات مورد نیاز آنان شوند.»

آزادی بیان یکی از مهمترین و با ارزش‌ترین حقوق و خواسته‌های جامعه اسلامی ایران است. علی‌رغم گذشت نزدیک به سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی و تحقق ابعاد وسیعی از این موهبت الهی در سطوح مختلف جامعه و نمایان بودن مظاهر گوناگون آن، به نظر می‌رسد این واژه از جهات متعددی دچار ابهام بوده و موجبات برداشت‌های نادرست و متضاد و حتی کاربردهای منافی با فلسفه و ضرورت آن را فراهم نموده است. موضوعی که در صورت عدم توجه کافی می‌تواند آفات متعددی برای منافع و مصالح جامعه اسلامی به دنبال داشته و تحقق همه جانبه استراتژی «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» به عنوان یکی از ضرورت‌های کنونی را با مخاطره روبه‌رو سازد. از این رو توجه جدی به شناخت صحیح آزادی بیان، مبانی و محدودهای آن از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

مهمترین محدودیت‌هایی که در جهت صیانت از آزادی بیان در نظر گرفته شده عبارتند از: ممنوعیت توهین به مقدسات اسلامی و هتک حرمت افراد، ممنوعیت توطئه و براندازی؛ لزوم حفظ اصول و ارزش‌های دینی و موازین اخلاقی؛ ضرورت حفظ نظام جامعه و پایبندی به ضوابط قانونی؛ پرهیز از دامن زدن اختلافات قومی و مذهبی؛ رعایت امنیت، استقلال کشور، منافع ملی و مصالح جامعه؛ واجدیت اطلاعات کافی و توان علمی بیان‌کننده و اهلیت مخاطب؛ طرح نظرات مخالفین در مراکز علمی و تخصصی؛ و بالاخره اینکه در مواجهه با سوء استفاده‌هایی که از آزادی بیان می‌شود؛ هم افراد و هم مسئولین اجتماع موظف بوده و باید کنترل و مراقبت به عمل آورند.

۴-۴. دسترسی آزاد به اطلاعات

در مورد دسترسی آزادانه شهروندان به اطلاعات در منشور حقوق شهروندی آمده است: « شهروندان ایرانی باید به کلیه قوانین و مقررات و یا تصمیمات نهادهای عمومی در حوزه قوه مجریه و مرتبط با شئون زندگی خویش در حدود قوانین و در صورتی که برخلاف امنیت ملی نباشد، دسترسی آزاد داشته و هیچکس نمی‌تواند آنان را از اطلاع، آگاهی و دسترسی به قوانین و مقررات موجد حق و تکلیف ایشان محدود نماید.»

دسترسی آزاد به اطلاعات در جوامع توسعه یافته و رو به رشد به عنوان یکی از ابزارهای جامعه مدنی جهت جلوگیری از فساد و شفاف‌سازی فعالیت‌ها در کلیه سطوح مورد استفاده قرار می‌گیرد. تصویب قانون دسترسی آزاد به اطلاعات و سپس تصویب آیین‌نامه این قانون در دولت یازدهم، منجر به امیدواری‌هایی برای شفافیت فضای اطلاعاتی کشور شد. از عمر قانون دسترسی آزاد به اطلاعات و همچنین قانون آزادسازی اطلاعات به عنوان یکی از بدیهی‌ترین حقوق شهروندی در بسیاری از کشورهای جهان بیش از نیم قرن می‌گذرد. در واقع در دیگر کشورها تأکید شده که باید اسناد در اختیار عموم شهروندان باشد، مگر اسنادی که به امنیت کشور مرتبط است و این اسناد نیز باید پس از سی سال آزاد شود و تنها موارد اندکی شبیه اسناد آمریکا از کودتای ۲۸ مرداد آزاد نمی‌شود که سریعاً با شکایت شهروندان همراه می‌شود و دولت باید دلیلی برای تعویق آزادی‌سازی داشته باشد. در ایران نیز قانون دسترسی آزاد به اطلاعات در مرداد ۱۳۸۸ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و آیین‌نامه این قانون نیز در آبان ۱۳۹۳ در هیأت دولت مصوب شد تا بدین شکل دستگاه‌ها و ارگان‌های موظف به ارائه اطلاعات در پورتال‌های خود شوند و هر شخص حقیقی و حقوقی بتواند به راحتی بتواند مورد نیاز خود در هر حوزه‌ای دسترسی پیدا کند و در واقع اسناد مجموعه‌های حاکمیتی، دولتی، غیردولتی و خصوصی می‌بایست در دسترس عموم قرار گیرد.

مطابق با این قانون هر شهروند ایرانی این حق را دارد که به اطلاعات عمومی دسترسی پیدا کند و بر اساس آن همه دستگاه‌ها موظف می‌شوند که اطلاعات مربوط به خود را در اختیار عامه مردم بگذارند و از طریق درگاه الکترونیکی منتشر نمایند؛ درحالی که معمولاً با چنین سازوکاری وجود ندارد اما ظاهراً قرار است برای همه نهادها ایجاد شود و در نهایت یکی از محل‌های درآمدزایی برای دولت نیز باشد. بر اساس ماده ۶ قانون دسترسی آزاد به اطلاعات، درخواست دسترسی به اطلاعات شخصی تنها از اشخاص حقیقی که اطلاعات به آنها مربوط می‌گردد یا نماینده قانونی آنان پذیرفته می‌شود و مطابق با ماده ۷ این قانون موسسه عمومی نمی‌تواند از متقاضی دسترسی به اطلاعات هیچ‌گونه دلیل یا توجیهی جهت تقاضایش مطالبه کند و بر مبنای ماده ۸ همین قانون، موسسه عمومی یا خصوصی باید به درخواست دسترسی به اطلاعات در سریع‌ترین زمان ممکن پاسخ دهد و در هر صورت زمان پاسخ نمی‌تواند حداکثر بیش از ۱۰ روز از زمان دریافت درخواست باشد.

۴-۵. هویت فرهنگی و زبان و گویش‌های ایرانی

لزوم توجه به ترویج و گسترش زبان فارسی و همچنین گویش‌ها و فرهنگ‌های ایرانی از مواردی است که در متن منشور حقوق شهروندی آمده است. در این متن آمده است: « دولت موظف است با همکاری سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، کاربرد آزادانه زبان‌ها و گویش‌های محلی و قومی، در کنار زبان فارسی را با حفظ وحدت ملی و تمامیت هویت ایرانی فراهم آورد».

حمایت از زبان ملی یکی از اولویت‌ها و راهبردهای سیاسی و فرهنگی کشورها در داخل و خارج بوده و نقش مهمی در جایگاه سیاسی، فرهنگی، افزایش قدرت نرم و جایگاه دیپلماسی فرهنگی آن کشورها داشته است. زبان فارسی هم با اینکه یکی از ارکان اصلی هویت ایرانی است ولی هویتی بسیار فراتر از فلات ایران دارد. در ماده ۳ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران آمده است: « به منظور تعمیق ارزش‌های اسلامی، باورهای دینی و اعتلای معرفت دینی و تقویت هنرهای فرهنگی و اجتماعی و روحیه کار جمعی، ابتکار، ترویج فرهنگ مقاومت و ایثار، تبلیغ ارزش‌های اسلامی و انقلاب اسلامی و گسترش خط و زبان فارسی، دولت مکلف است حمایت‌های لازم را از بخش غیردولتی اعم از حقیقی و حقوقی در موارد زیر به عمل آورد:

- اقدام برای حذف اسامی لاتین از سردر اماکن عمومی، شرکت‌ها و بسته‌بندی کالاهای غیرصادراتی.
- برنامه‌های اجرایی دینی، مذهبی، هنری، فرهنگی، آموزشی و علمی.
- طراحی، تولید، توزیع، انتشار و صدور خدمات و محصولات فرهنگی، هنری، رسانه‌ای، صنایع دستی و میراث فرهنگی.
- توسعه تولیدات و فعالیت‌های رسانه‌ای، فرهنگی و هنری دیجیتال و نرم‌افزارهای چند رسانه‌ای و نیز حضور فعال و تأثیرگذار در فضای مجازی.

- توسعه و راه‌اندازی مؤسسات، هیأت‌ها و تشکل‌های فرهنگی، هنری، رسانه‌ای، دینی و قرآنی.

۴-۶. حریم خصوصی

در متن منشور حقوق شهروندی در خصوص رعایت حریم خصوصی شهروندان آمده است: « حریم و زندگی خصوصی، مسکن، وسایط نقلیه و اشیاء خصوصی شهروندان از مداخله خودسرانه، تفتیش و بازرسی بدون مجوز قانونی مصون است و تعرض به اطلاعات و داده‌های شخصی، تفتیش، گردآوری، پردازش، بکارگیری و افشاء نامه‌های شهروندان اعم از الکترونیکی و غیرالکترونیکی یا مرسولات پستی آنان مجاز نمی‌باشد. بازرسی، ضبط، تفتیش، ملاحظه، قرائت، توقیف یا معدوم نمودن بدون مجوز قانونی نامه‌ها و ارتباطات از راه دور نظیر ارتباطات تلفنی، تلگراف، نامبر، بی‌سیم و ارتباطات اینترنتی خصوصی مربوط به شهروندان و استراق سمع یا رهگیری و سانسور آنها بدون مجوز قانونی، ممنوع است».

حریم خصوصی یا شخصی از جمله حقوقی به شمار می‌رود که لازم است تمامی انسان‌ها در هر حکومتی با آن آشنا باشند زیرا با آگاهی از حریم خصوصی، حقوق شهروندی رعایت خواهد شد، ضمن این‌که دولت‌ها نیز در این زمینه سهم عمده‌ای بر عهده دارند. از جمله تکالیف دولت‌ها و نظام‌های حقوقی، به روز کردن قوانینی است که در حوزه حریم شخصی شهروندان وضع شده‌اند، مواردی از جمله پرهیز از شنود مکالمات تلفنی با تأمین امنیت فضای مجازی، همگی جزو مصادیق حریم خصوصی شهروندان است و قانون‌گذار مکلف است نظام حقوقی ویژه‌ای را درباره آنها تدوین نماید.

حریم خصوصی و حفظ آن یکی از مهم‌ترین حقوق هر انسان در سراسر جهان است که اسلام و به تبعیت آن، قانون اساسی کشور ما نیز در فصل سوم خود در بخش حقوق ملت، حیثیت اشخاص را از تعرض جز در مواردی که قانون تجویز می‌کند مصون اعلام داشته است. مواردی که در قانون اساسی جزو موارد خصوصی تلقی شده است نیز عبارت است از مواردی همچون اعتقادات افراد، محتویات نامه، مکالمات تلفنی، مخابرات تلگرافی و تلکس. اما در دیگر قوانین موضوعه، مواردی که ورود در حریم خصوصی جایز شمرده شده است عبارت است از مواردی که به امنیت کشور مربوط باشد یا برای احقاق حقوق اشخاص به نظر قاضی، ضروری تشخیص داده شود یا اینکه، تفتیش و بازرسی، از حق شخص مهم‌تر باشد و اساساً در مواردی که قانون تجویز کند.

۴-۷. قانون مداری

در این متن حقوقی به لزوم قانون مداری و تمکین از قانون آمده است: «اداره شایسته جامعه و رعایت آن از سوی مقامات اداری و اجرایی در راستای منصفانه کردن تصمیمات اداری، رعایت الزامات حکمرانی شایسته، حمایت از کرامت شخصی، تقویت مشارکت شهروندان، تقویت موجه سازی تصمیمات اداری و بهتر کردن کیفیت پیامدهای تصمیم گیری اداری به عنوان خط مشی دولت اعلام می گردد. همچنین به منظور حمایت از حقها، شایستگیها و امتیازات شهروندان در برابر خودسریهای مقامات اداری و تضمین ساختارهای نظام اداری مطلوب، قانون مدار، مناسب، کارا، منعطف، بهره‌ور، پاسخگو، شفاف، اخلاقی و عاری از هرگونه فساد، تبعیض و جانبداری، باید در سرلوحه برنامه‌های دولت قرار گیرد».

قانون مجموعه بایدها و نبایدهایی است که شیوه رفتار انسانها را در زندگی اجتماعی تعیین می کند و امری ضروری است و همه افراد بشر در هر شرایط زمانی و مکانی به مجموعه‌ای از قوانین نیازمندند. بدون مقررات، زندگی بی‌معناست؛ زیرا از یک سو هیچ یک از منافع انسان بدون تشکیل زندگی اجتماعی تأمین نمی‌شود و از سوی دیگر، پیدایش اصطکاک، رقابت و برخورد میان منافع افراد، از لوازم انفکاک ناپذیر زندگی اجتماعی است.

وضع قانون یا تطبیق آن با شرایط اجتماعی خاص، نیاز به نهاد قانون گذاری دارد. اجرای قانون در سطح جامعه و نظارت بر شئون عمومی مردم، برقراری امنیت داخلی و دفاع در برابر تجاوز خارجی، نیازمند دستگاه اجرایی مناسب است. جلوگیری از تخلفات افراد و گروهها و اجرای عدالت، دستگاه قضایی ویژه‌ای را می‌طلبد. مجموعه این نهادها و دستگاهها، نهاد فراگیری به نام حکومت را می‌سازد که مسئول امر عمومی جامعه از قبیل قانون گذاری، حفظ امنیت، دفاع، بسط عدالت، عمران عمومی، بهداشت، آموزش و پرورش و ... است. این مطلب اختصاص به گروه و زمان خاصی ندارد، بلکه همه اجتماعات بشری در همه زمانها به تشکیلات حکومتی نیاز دارند که جامعه را اداره کند. افرادی که در نیاز جامعه به سرپرست و حاکم، تردید دارند یا از لجام گسیختگانی هستند که خواهان آزادی مطلق اند و به هیچ حساب و کتابی تن در نمی‌دهند، یا در زمره اشرارند و از نظم و محاسبه در هراس‌اند و یا از کسانی هستند که از حکومت‌های باطل ستم فراوان دیده‌اند.

۴-۸. حق مشارکت شهروندان در سرنوشت اجتماعی

آزادی تمامی شهروندان ایرانی در حضور در انتخابات از دیگر مواردی است که در این متن حقوقی به آن اشاره شده است: « شهروندان بطور برابر از حق تعیین سرنوشت برخوردار هستند و می‌توانند این حق خود را بدون تبعیض و آزادانه در صورت وجود شرایط قانونی، در اداره امور کشور به طور مستقیم یا از طریق نمایندگانی که در انتخاباتی آزاد و قانونی و با رأی خود انتخاب می‌کنند، مشارکت نمایند». در حکومت دینی، مردم در تشکیل حکومت، قانون گذاری، سیاست گذاری و اجرای قوانین، نقش جدی و فعالی دارند. به عنوان نمونه مردم از طریق انتخاب نمایندگان مجلس شورا اسلامی، در قانون و سیاست گذاریهای کلان جامعه دخالت می‌کنند. با انتخاب نمایندگان شوراها، در سیاست گذاریهای جمعی دخالت می‌کنند. با انتخاب نمایندگان مجلس خبرگان، در تعیین رهبری و نظارت بر او و با انتخاب رئیس جمهور، بالاترین مقام مملکتی را - پس از رهبر - بر می‌گزینند.

هیأت دولت نیز از دو سو، به طور غیر مستقیم، منتخب مردم است؛ زیرا از یک طرف رئیس جمهور منتخب مردم، هیأت دولت را معرفی می‌کند و از سوی دیگر نمایندگان منتخب ملت، پس از بررسی و تشخیص صلاحیت به آنان رأی اعتماد می‌دهند. در عین حال باید توجه داشت که نقش مردم در همه این امور، در چارچوب قوانین شرعی است و نمی‌تواند مغایر با آن باشد. در اصل ششم قانون اساسی آمده است:

«در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود؛ از راه انتخابات، رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها یا از راه همه‌پرسی».

۵. نتیجه گیری

بخش مهمی از مسؤولیتها و وظایف دولت و رئیس دولت در نظام اسلامی در قانون اساسی آمده است که در منشور حقوق شهروندی دولت یازدهم هم بدان اشاره شده. در این مقاله نگاهی گذرا به این وظایف از دریچه قانون اساسی داریم تا از سویی حد و مرز انتظار امت اسلامی از کارگزاران دولتی و رئیس قوه مجریه روشن شود. این فهرست فقط شامل وظایفی است که در یک مرور سریع از قانون اساسی کنونی مصوب ششم مرداد ماه ۱۳۶۸ هجری شمسی استخراج شده است

- پاسداری از مذهب رسمی کشور در برابر تشکیک و تحریف و تحقیر و تعطیل قوانین دینی.
- پاسداری از نظام جمهوری اسلامی با همان تفسیر که در اصل دوم قانون اساسی آمده است.
- پاسداری از قانون اساسی به عنوان میثاق مورد توافق همه شهروندان کشور.

- به کارگیری همه استعدادها و صلاحیتها در راه ایفای مسؤولیت‌های قانونی.
- وقف خود برای خدمت به مردم، اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق.
- پشتیبانی از حق و گسترش عدالت.
- حمایت از آزادی و حرمت اشخاص و حقوق قانونی آنان.
- حراست از مرزها، استقلال سیاسی، اقتضای و فرهنگی و نظامی کشور و تمامیت ارضی.
- استعانت از خدا در انجام وظایف.
- پیروی از پیامبر بزرگوار اسلام و ائمه اطهار علیهم السلام در نگهداری از امانت «قدرت» و سپردن آن به منتخب ملت پس از خویش.
- پاسخگو بودن در برابر ملت و رهبر و مجلس شورای اسلامی.
- جلوگیری از تصویب و اجرای هر گونه قانون و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و سایر موارد که براساس موازین اسلامی نباشد و تلاش جهت لغو و عدم اجرای آن. تشخیص موافقت و مخالفت با شورای محترم نگهبان است.
- به کار گرفتن همه امکانات برای ایجاد محیطی مساعد برای رشد فضائل اخلاقی براساس ایمان، تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی.
- جلوگیری از رباخواری، غضب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه‌کاری‌ها، و معاملات دولتی، فروش زمین‌های اموات و مباحات اصلی، دائر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع و بازگرداندن ثروت‌های ناشی از امور فوق به صاحبان حق و یا بیت‌المال در صورت ناشناخته بودن صاحبان آن.
- دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک وظیفه متقابل ملت و دولت.
- پاسداری از قداست خانواده و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی.
- تلاش پیگیر برای اتحاد و ائتلاف ملل اسلامی و وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام.
- پاسداری از حقوق زنان و حمایت از آنان طبق اصل ۲۱ قانون اساسی.
- فراهم کردن امکان اشتغال و کار و تأمین شرایط مساوی برای احراز مشاغل.
- تأمین اجتماعی همگان در برابر بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و خدمات بهداشتی، درمانی و مراقبت‌های پزشکی از طریق بیمه و غیره.
- تأمین آموزش و پرورش رایگان برای همه تا پایان دوره متوسطه و تأمین وسایل تحصیلات عالی تا سرحد خودکفایی کشور به صورت رایگان.
- تأمین مسکن هر فرد و خانواده به ویژه روستائینان و کارگران.
- گردآوری و بهره‌برداری و نظارت بر انفال و توزیع عادلانه ثروت‌های عمومی.
- رفتار عادلانه و رعایت اخلاق انسانی در رفتار با اقلیت‌های دینی که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی توطئه و اقدام نکرده‌اند.
- پاسداری از زبان و خط و پرچم رسمی کشور و تاریخ هجری شمسی و قمری در کلیه اسناد و مکاتبات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات زبان قرآن و معارف اسلامی در دوره‌های ابتدایی تا پایان دوره متوسطه و رعایت تعطیلی روز جمعه در سراسر کشور.
- خودداری و جلوگیری از استخدام کارشناسان خارجی مگر در موارد ضرورت و با تصویب مجلس شورای اسلامی.
- رعایت قانون در کلیه دریافت‌ها و پرداخت‌های دولتی.
- خودداری و جلوگیری از دادن هر گونه امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات به خارجیان در امور تجاری، صنعتی، کشاورزی، معادن و خدمات طبق اصل هشتاد و یکم.
- خودداری از گرفتن هر گونه وام خارجی و داخلی و کمک بلاعوض از داخل و خارج بدون تصویب مجلس شورای اسلامی.
- سی نکته فوق بخش مهمی از وظایف رئیس دولت و همه دولت مردان نظام اسلامی است که از دیدگاه حقوقی و با توجه به قسم شرعی بر عهده رئیس محترم جمهور اسلامی ایران است. این موارد هر چند در متن منشور حقوق شهروندی آمده است ولی پیش از آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درج شده است

منابع و مراجع

۱. آقاگل‌زاده، ف.، تحلیل گفتمان انتقادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۰.

۲. آفاگل زاده، ف.، زبان شناسی حقوقی، چاپ دوم، تهران، انتشارات نشر علم، ۱۳۹۱.
۳. اسدی، م. و گلفام، ا.، آفاگل زاده، ف.، ؛ افراشی، ا.، "مؤلفه‌های زبان شناختی و جامعه‌شناختی-معنایی و بازنمایی کنشگران اجتماعی در متون مطبوعاتی، فصلنامه‌ی جستارهای زبانی"، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۲، صص ۱-۲۴، ۱۳۹۴.
۴. های، ک.، درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی، ترجمه‌ی احمد گل محمدی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵.
5. Brown, G. and Yule, G., *Discourse Analysis*, Cambridge, Cambridge University Press, 1983.
6. Crystal, D., *A Dictionary of Linguistics & Phonetics*, UK, Blackwell Publishing, 2003.
7. Halliday, M., A. K. and Hassan, R., *Cohesion in English*, London and New York, Longman, 1976.
8. Wardhaugh, R., *An Introduction to Sociolinguistics*, 5thed, Oxford: Blackwell publishing, 2006.
9. Widdowson, H. C., "Aspects of Syllabus Design", In M. Tickoo (Ed.), *Language Syllabuses: State of the Art*, Singapore: RELC, 1987.
10. Van Dijk, T. A., *Text & Context*, London, Longman, 1977.